

زندگی نامه عمیق بخارائی

۱۱ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۰۷

اشعارش به هفت هزار بیت میرسیده که در بخارا و سمرقند شهرت تمام داشته ولی اکنون از میان رفته و بجز چند قصیده در مدح خضر خان و ارسلان خان چیز دیگری از وی به یادگار نمانده است. اثری دیگرینیز به نام یوسف و زلیخا که دردو بحر خوانده میشد نیز داشته که از آن نیز چیزی نمانده است

شهاب الدین از شاعران قوی مایه و استادان گرانقدر سده ششم هجریست که در بخارا و سمرقند و ماوراءالنهر می زیست و پادشاهان آل افراسیاب را مدح می گفت. عمیق در دربار خضر خان از ملوک خانیه ماوراءالنهر پایگاهی بلند و به عنوان امیر الشعرائی شناخته میشد و همه درباریان او را گرامی شمرده و با صله های گران می نواختند

وی از جمله شاعرانی است که در زمان خود به مال و مقام شگرف دست یافته اند. عمیق به اکثر شعرای زمان خود برتری داشت بطوریکه انوری و بسیاری از سخنوران بزرگ او را به استادی ستوده اند

از معاصرین وی ادیب صابر، سوزنی سمرقندی، وطواط، انوری، سنائیو سید حسن غزنوی را میتوان نام برد

اشعارش به هفت هزار بیت میرسیده که در بخارا و سمرقند شهرت تمام داشته ولی اکنون از میان رفته و بجز چند قصیده در مدح خضر خان و ارسلان خان چیز دیگری از وی به یادگار نمانده است. اثری دیگرینیز به نام یوسف و زلیخا که دردو بحر خوانده میشد نیز داشته که از آن نیز چیزی نمانده است

عمق در اواخر عمر نابینا شد و گوشه نشینی اختیار کرد و رد سال ۵۲۷ - ۵۴۳ هجری - در سن حدود صد سالگی بدرود حیات گفت

خیز ای بت بهشتی و ان جام می بیار کار دی بهشت کرد جهان را بهشت وار

نقش خور نقست همه باغ و بوستان فرش ستر قست همه دشت و کوهسار

فرشی فگنده دشت پر از نقش با فرین تاجی نهاده باغ پر از در افتخار

آن چون بهار خانه چین پر ز نقش چین وین چون نگار خانه مانی پر از نگار

آن افسر مرصع شاخ سمن نگر و آن پرده موشح گلها کامکار

این چون عذار حور بر گوهرین سرشک و آن چون بساط خلد پر از عنبرین عذار

گلبن عروس واریاراست خویشتن ابرش مشاطه وار همی شوید از غبار

گاهی طولی بندد از گوهرین صدف گاهی نقاب پوشد از پرده بخار

آن لاله نهفته در و آب چشم ابر گویی که جامها عقیقست پر عقار

یا شعله های آتش ترست اندر آب یا موجهای لعل بدخشیست در شرار

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۸۴۵/بهارانی-عمیق-نامه-زندگی/۲۲۸۴۵>